info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۵۱۱
یکشنبه / ۲ اردیبهشت / ۱۴۰۳
۱۲ / شوال / ۱۴۴۵
21 / April / 2024

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیر مسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۴۵۳۳۸۲۸-۰۲۶ - ۳۴۵۲۴۴۹۲ فکس: ۳۴۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۵۸/۴۴
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

هر آن که جانب اهل خدا نگه دارد
خداش در همه حال از بلا نگه دارد
حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست
که آشنا سخن آشنا نگه دارد

رهاییست باید، رها کن جهان را
نگه دار ز آلودگی پاک‌جان را

پروین اعتصامی

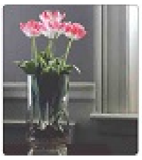

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۵۲	۰۵:۲۴	۱۲:۰۵	۱۸:۴۵	۱۹:۰۴

زندگی را خیلی جدی نگیرید، چون در هر صورت از آن زنده بیرون نخواهید رفت...

آلبرت هابرد

برش

سواد رسانه چه جایگاهی در زندگی افراد دارد؟

یک فعال و پژوهشگر حوزه رسانه با اشاره به اهمیت سواد رسانه در دنیای مدرن و همین طور روش‌های راستی‌آزمایی اخبار توضیحاتی داد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از باشگاه خبرنگاران جوان، محمد لسانی، فعال و پژوهشگر حوزه رسانه در مورد اهمیت سواد رسانه در میان افراد جامعه در شرایط مختلف بیان کرد: اصولاً سواد رسانه یکی از الزامات و ضرورت‌های زندگی در دنیای مدرن است. به همین دلیل یک سواد پایه‌ای و اولیه محسوب می‌شود. لزوماً ربطی به این ندارد که بحران وجود داشته باشد و یا این که پدر یا مادر باشیم تا نیاز داشته باشیم که سواد رسانه بدانیم، بلکه همین که به عنوان یک فرد از رسانه استفاده می‌کنیم باید سواد رسانه‌ای داشته باشیم.
این پژوهشگر حوزه رسانه گفت: در سال ۱۹۵۴ «نیل پستمن» (Neil Postman) سواد رادیو را در آمریکا بیان کرده است و این نشان می‌دهد که در آن زمان، رادیو رسانه‌ی اول آن‌ها بوده است و بعد از آن، آقای «مارشال مک لوهان» (Marshal McLuhan) واژه سواد رسانه را به کار برده است.
یک زمانی تلویزیون پدید آمد و در خانواده‌ها رونق گرفته بود و در حال حاضر، هم دنیای دیجیتال و هم تلفن‌های همراه و هوش مصنوعی باعث شده‌اند که الزام وجود سواد رسانه احساس شود.
لسانی در پاسخ به این که «چگونه می‌توان این حجم از اخبار را راستی‌آزمایی کرد؟» مطرح کرد: یکی از مسائلی که کمک می‌کند تا ما این حجم از اخبار را راستی‌آزمایی کنیم منابع و اشخاص خبره و حرفه‌ای هستند. مثلاً antifakenews.ir یا مجموعه‌هایی مثل factyar.com که در داخل کشور فعالیت می‌کنند و هویت رسانه‌ای دارند یا سرویس‌های شبهه و شایعات خبرگزاری‌هایی مثل ایرنا و فارس می‌توانند برای این منظور کمک کننده و موثر باشند.
از سوی دیگر، افرادی هم در این حوزه فعال هستند و ما آن‌ها را تحت عنوان راستی‌آزمایی‌شناسیم. مثلاً خودم بنده راستی‌آزمایی می‌کنم و همچنین افرادی که در این حوزه فعالیت می‌کنند.
این پژوهشگر حوزه رسانه اظهار داشت: با توجه به این که حجم اخبار زیاد است و ما به عنوان کاربران معمولی نمی‌توانیم راستی‌آزمایی را انجام دهیم، می‌توانیم با افراد خبره در این زمینه ارتباط برقرار کنیم.
لسانی درمورد چگونه دور شدن از نگاه غرض‌ورزانه رسانه‌ها افزود: تقویت تفکر نقادانه و چندمنبعی بودن موثر هستند؛ یعنی منابع مخالف، قبل گفتمان‌ها هستند به طوری که گاهی اوقات اصلاح‌طلب، اصولگرا، جناح‌های داخلی هستند و بعضی وقت‌ها رسانه‌های خارجی آمریکا، اسرائیل، انگلیس، قطر، الجزیره، العربیه و... هستند که باید چندمنبعی باشیم و اگر موضوع داخلی است همان‌طور که به جناح اصولگرا توجه می‌شود باید به اصلاح‌طلب هم نگاه شود و اگر موضوع بین‌المللی است نباید صرفاً روایت یک رسانه مثلاً آمریکایی را نگاه کرد و باید به روایت غربی و عربی هم توجه داشت و از میان آن‌ها به یک فهمی دست پیدا کرد.
لسانی با اشاره به راهکارهایی برای این که پیگیری مداوم اخبار باعث خدشه‌دار شدن روح و روان افراد نشود، مطرح کرد: قطعاً در دورانی هستیم که سرریز و افزونگی اطلاعات باعث شده است که هر چه تلاش کنیم باز هم به پایان اطلاعات و اخبار نرسیم، زیرا با توجه به این که اطلاعات به صورت انبوه در حال تولید شدن هستند فکر می‌کنیم ما جا ماندیم و همین حس جاماندگی، یکی از اضطراب‌های فضای مجازی است که به آن (Fear Of missing out) یا «فومو» به معنای ترس از دست دادن گفته می‌شود یعنی شما فکر می‌کنید که اخبار فلان کانال یا محتوا را نخوانده‌اید و همین موضوع، خودش اضطراب‌آور است. در نتیجه راهکار چیست؟ یکی از راهکارها این است که مجاری ورودی‌مان را کم کنیم یعنی از خیلی از گروه‌ها و کانال‌ها خارج شویم و گلچین کنیم زیرا خیلی وقت‌ها یک روزنامه به ویژه الان که روزنامه‌ها سرویس‌های مختلف دارند یا خواندن بسته‌های خبری روزانه که شامل اتفاق کلی روز می‌شوند، می‌توانند به ما کمک کنند تا در جریان مهم‌ترین اتفاق‌ها باشیم و از چیزی یا خبری جا نمانیم.
این پژوهشگر حوزه رسانه با اشاره به مسخره گرفتن اخبار و اتفاق‌های مهم در کشور و جهان توسط برخی از افراد یادآور شد: اصولاً ما در زندگی عادی و واقعی و در فضای رسانه‌ای آزادی اظهارنظر داریم؛ چیزی که تحت عنوان (Free Speech) یا (Free Expression) یا آزادی بیان شناخته می‌شود و تا حدی بر اساس ارزش‌های اسلامی قابل دفاع است و افراد در نظر دادن آزاد هستند، از این رو اگر به مسخره گرفتن باعث شیرینی و شادکامی زندگی شود ایرادی ندارد، زیرا می‌تواند باعث تخلیه هیجانات و آرامش روان افراد شود اما اگر با هر چیزی شوخی شود که به زندگی و آبروی انسان‌ها و مسائل هویتی و ملی ارتباط دارد و بعضاً شوخی‌پرداز نیستند نباید این کار را انجام داد، چون آثار روانی و اجتماعی و امنیتی دارند.

گزارش روز

دلیل تاکید فراوان رهبری به وحدت چیست؟

پرتکرارترین توصیه رهبر انقلاب طی حدود یک ماه اخیر، پس از توصیه‌های معنوی، «وحدت و همدلی» بوده است؛ دلیل این همه تاکید چیست؟

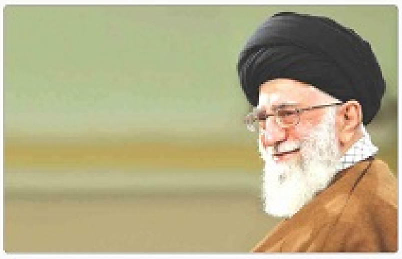

به گزارش پیام آشنا به نقل از صبح نو، پرتکرارترین توصیه رهبر انقلاب طی حدود یک ماه اخیر، پس از توصیه‌های معنوی، «وحدت و همدلی» بوده است؛ دلیل این همه تاکید چیست؟
این یادداشت پاسخ به این سوال است.

۱: پرهیز از منازعه که نقطه مقابل وحدت و همدلی است، نهی صریح قرآن کریم است. وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (۴۶ انفال)
و همه، پیرو فرمان خدا و رسول باشید و هرگز راه اختلاف و تنازع نپویید که در اثر تفرقه ضعیف شده و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد بلکه همه باید یکدل، پایدار و صبور باشید که خدا همیشه با صابران است.
و چه پرمعنا و حکمت‌آمیز است، امر به اطاعت از خدا و رسول و همچنین صبر، در کنار نهی از اختلاف و تنازع.

۲: وحدت و همدلی، از مهم‌ترین عوامل پیروزی انقلاب اسلامی بوده است. وحدت در هدف، وحدت در راه رسیدن به هدف و وحدت در رهبری. اندیشمندان بسر این باورند که عامل وقوع و حدوث یک پدیده، عامل بقای آن نیز هست؛ باوری که طی ۴۵ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در مقاطع مختلف تجربه و تأیید شده است.

۳: بنابر آنچه گفته شد، وحدت و همدلی، یک راهبرد غیرقابل تغییر در همه شرایط و زمان‌هاست، در عین حال این راهبرد باید هر از چند گاه یادآوری و تأکید شود تا مورد غفلت قرار نگیرد.
یادآوری راهبردها در مقاطع مختلف از جمله برهه‌ای که نسل نو شده و ممکن است اهمیت و کارکرد راهبردها را در یاد نداشته باشد و یا به هر دلیلی خلاف آن عمل می‌شود و این نگرانی وجود دارد که با غفلت از آن و حرکت در خلاف جهت راهبرد، خسارات جبران‌ناپذیری به جامعه تحمیل و منافع عمومی و حتی امنیت ملی با مخاطره روبه‌رو شود، اهمیت و ضرورتی دوچندان پیدا می‌کند.
به نظر نویسنده، تأکیدات مکرر رهبر انقلاب طی حدود یک ماه اخیر بر موضوع وحدت و همدلی، علاوه بر دو مورد اول، تحت تأثیر دلیل سوم است. نگاهی به عملکرد، رفتار و مواضع برخی تندروها و فعالان سیاسی و رسانه‌ای بویژه در انتخابات ۱۱ اسفند، این نگرانی را دامن زد که نه‌تنها راهبرد اساسی وحدت و همدلی مورد توجه نیست، بلکه خط نفرت‌پراکنی دشمن شادکن در حال تقویت است.
فراموش کردن دشمن اصلی و دشمن‌انگاری خودی‌های دارای سلایق و نظرات متفاوت نیز رو به تزاید گذاشته بود و افشاگری‌های هیجان‌زده و نابرخوردار از تقوی و عدالت؛ اما بنام و با ادعای عدالت‌خواهی گسترش می‌یافت.

۴: بعد مهم دیگر کنشگری ضد راهبرد وحدت و همدلی، ایجاد دوقطبی‌های کاذب در جامعه و شقه‌شقه کردن صفوف مردم است.
توجه داشته باشیم که دوقطبی با اختلاف نظر و سلیقه کاملا متفاوت است.
اختلاف نظر و سلیقه اولا غیرقابل اجتناب است، ثانیا می‌تواند مفید و پیش‌برنده باشد، اما دوقطبی بویژه اگر کاذب باشد، اولا قابل اجتناب و ثانیا مخرب و حتی ویرانگر است؛ در دوقطبی‌ها، حق و مصلحت ذبح می‌شود، دوقطبی‌ها به هیجانات مضر و نفرت‌پراکنی دامن می‌زند و رهزن عقلانیت و منطق است.
سخن پایانی اینکه این روزها و همزمان با عملیات غرورآفرین و باشکوه «وعده صادق» شاهد یک اجماع و همدلی تماشایی هستیم. همدلی و اتحادی دلچسب برای دوستداران ایران و انقلاب و آزاردهنده برای دشمنان. همگی تلاش کنیم اولا این همدلی را صیانت کنیم و ثانیا آن را روز به روز افزایش دهیم و تعمیق ببخشیم.

مکث

چرا تهدیدهای اسرائیل ایرانیان را نمی‌ترساند؟

در حالی که بی‌بی‌سی فارسی سعی می‌کرد به دنبال شیطنت‌های رسانه‌ای خود با طرح سوال «شما تا چه میزان نگران حمله اسرائیل به ایران هستید؟» در ایجاد فضای رعب و وحشت سهیم باشد، نظرات (کامنت‌های) بامزه‌ای از سوی مردم دریافت کرد. یکی از کاربران نوشته بود: «اونایی که نگران نیستن لایک کنن ببینیم چند نفریم؟» و کلی لایک دریافت کرد. دیگری هم نوشته بود: «نگرانی واسه چی؟ من تازه از شنبه دارم می‌رم خدمت سربازی». کاربر دیگری هم نوشته بود: «ما اصلا نگران نیستیم. فقط منتظریم».

به گزارش پیام آشنا به نقل از وطن امروز، از ۱۳ فروردین که رژیم اشغالگر قدس یکی از بدترین اشتباهات تاریخ خود را مرتکب شد و با حمله به بخش کنسولی سفارت ایران در دمشق باعث شهادت ۷ نفر از افسران سپاه شد، روزها و شب‌ها برای صهیونیست‌ها به سختی سپری می‌شد. ترس و وحشت از احتمال پاسخ ایران به این حمله لحظه‌ای شهرک‌نشینان را رها نمی‌کرد. تا آنجا که فروشگاه‌ها از مواد غذایی خالی شد و در عوض درون پناهگاه‌ها جای سوزن انداختن نبود!
این معادله ترس و وحشت که بخشی از آن ماحصل جنگ روانی از سوی ایران بود، ۱۲ روز ادامه یافت و کار تا جایی پیش رفت که برخی کارشناسان اذعان می‌کردند تداوم همین جو رعب و وحشت می‌تواند بدترین انتقام ایران از اسرائیل باشد.
بامداد ۲۶ فروردین، پلکان وحشتی که ایران برای اسرائیلی‌ها چیده بود، به نقطه اوج رسید. حملات ترکیبی سپاه با حرکت پهپادهایی آغاز شد که تا رسیدن به مقصد ۵ ساعت زمان نیاز داشتند اما اخبار شلیک این پهپادها که برای همگان مسلم بود مقدمه‌ای بر شلیک موشک‌های کروز و سپس بالستیک است، بسیار سریع در سراسر سرزمین‌های اشغالی و جهان پیچید و سفره وحشت صهیونیست‌ها را رنگین‌تر کرد.
اما بعد از این حمله حساب‌شده، عادلانه، اخلاقی و هوشمندانه ایران که تومار ابهت خدشه‌دار بازدارندگی و قدرت پوشالی اسرائیل را به یکباره درهم پیچید، حالا این صهیونیست‌های شکست‌خورده و تحقیرشده بودند که احساس می‌کردند نوبت آنهاست تا از همان نقطه‌ای که ضربه خورده‌اند شروع به پاسخگویی کنند.
آنها به وضوح اعلام کردند حالا نوبت اسرائیل است تا قبل از هر حمله احتمالی، ایرانی‌ها را بترسانند! بازوهای رسانه‌ای خود را نیز به‌کار انداختند و پیشانی آنها نیز بی‌بی‌سی فارسی بود که به یکباره نگران «تاثیر روانی احتمال آغاز جنگ روی کودکان» شد و توصیه‌های کارشناسانه را در شبکه‌های مجازی خود منتشر کرد. اینترنشنال و دیگر رسانه‌ها نیز با بزرگنمایی تهدید صهیونیست‌ها سعی کردند بر دامنه شایعات بیفزایند.
اما هیچ کدام از این ترفندهای رسانه‌ای اقاقه‌ای نکرد و در ایران نه تنها خبری از ترس نبود و نیست، بلکه فضای مجازی پر از لطیفه‌هایی شد که در این خصوص ساخته شد.
برای نمونه در حالی که بی‌بی‌سی فارسی سعی می‌کرد به دنبال شیطنت‌های رسانه‌ای خود با طرح سوال «شما تا چه میزان نگران حمله اسرائیل به ایران هستید؟» در ایجاد فضای رعب و وحشت سهیم باشد، نظرات (کامنت‌های) بامزه‌ای از سوی مردم دریافت کرد. یکی از کاربران نوشته بود: «اونایی که نگران نیستن لایک کنن ببینیم چند نفریم؟» و کلی لایک دریافت کرد. دیگری هم نوشته بود: «نگرانی واسه چی؟ من تازه از شنبه دارم می‌رم خدمت سربازی». کاربر دیگری هم نوشته بود: «ما اصلا نگران نیستیم. فقط منتظریم».
ادعای منابع اسرائیلی برای پاس دادن فضای رعب و وحشت به داخل جامعه ایران، تا آنجایی پیش رفت که «لولیا اوزتورک» گزارشگر سی‌ان‌ان به میان مردم تبریز رفت تا از میزان تاثیر تهدیدات اسرائیل در بین اهالی این شهر گزارش تهیه کند. او با کسبه، دستفروش‌ها و رهگذران صحبت کرد و در نهایت در گزارش خود گفت: «اینجا کسی از حمله اسرائیل بیم ندارد. همه مردم مشغول کارهای روزمره خود هستند و آنچه من می‌بینم این است که این مردم اعتماد کامل به قدرت نظامی کشورشان دارند».

حمله با پهپاد بیتزابرا!

بامداد دیروز بعد از روزها تهدید و لفاظی‌های توخالی از سوی سران رژیم صهیونیستی، اخباری درباره مقابله پدافند هوایی یکی از تاسیسات نظامی کشورمان در شرق اصفهان مخابره شد. آنطور که اخبار تکمیلی عنوان کردند در این ماجرا چند ریزپرنده توسط پدافند هوایی مستقر در محل منهدم شد اما این حرکت خرابکارانه منتسب به رژیم صهیونیستی که حتی بن گویر، وزیر امنیت قومی اسرائیل هم آن را در یک کلمه «مسخره» توصیف کرد، موجب شکوفاتر شدن طبع طنز کاربران ایرانی و جهان عرب شد.
بعد از این حرکت سخیف بود که تصاویر شیشه شکسته یک اتومبیل یا چاله‌ای در حد یک کف دست و مواردی اینچنینی، جزو دستاوردهای حمله پهپادی اسرائیل معرفی شد و در نهایت تیتر «حمله با پهپاد بیتزابرا» در فضای مجازی پرتکرار شد. در این میان تصاویری هم که توسط هوش مصنوعی تولید شده بود به این فضا پیوست و حالا کاربران فضای مجازی سوژه‌های بسیاری برای تمسخر سران رژیم صهیونیستی به دست آورده‌اند. کلیپ‌های کوتاه نیز در این میان بازنشر شد که همه آنها ماهیت طنز داشته‌اند.

تفاوت‌ها و پرسش‌ها

اما علت این همه تفاوت بین جامعه ایرانی و ساکنان سرزمین‌های اشغالی بر سر موضوعی واحد چیست؟ چرا رژیم صهیونیستی و آمریکا حتی با همدستی رسانه‌هایی چون بی‌بی‌سی فارسی، اینترنشنال و... هم نمی‌توانند فضای رعب و وحشت در ایران ایجاد کنند؟
یکی از دلایل این مساله را می‌توان در همان نکته‌ای یافت که خبرنگار سی‌ان‌ان به آن اشاره کرده بود: «مردم ایران به نیروی نظامی کشورشان اعتماد دارند». این اعتماد البته در حالی شکل گرفته که جمهوری اسلامی ایران از بدو استقرار خود، تحت تحریم‌های ظالمانه‌ای قرار داشته و صنایع نظامی‌اش بیشترین تحریم‌ها را تحمل کرده است.
در سوی مقابل صهیونیست‌ها که رژیم جعلی‌شان حداقل از اوایل دهه ۸۰ میلادی دارای بمب اتم شده و همواره از پیشرفته‌ترین تسلیحات نظامی آمریکا و جهان غرب بهره می‌برد، با این‌چنین نسبت به ارتش‌شان بی‌اعتماد هستند که حتی تهدید به حمله از سوی ایران می‌تواند آنها را تا سرحد مرگ بترساند. بخشی از این مساله ناشی از عملیات موفق ۷ اکتبر است که توانست تمام ادعاهای پوشالی رژیم صهیونیستی را در هم بشکند.
رژیم صهیونیستی تاکنون با ترفندهای مختلف تلاش کرده بود خود را در معرض خطر دائم نشان دهد اما در این میان تاکید می‌کرد زیرساخت‌های لازم را برای مقابله با این تهدیدها تدارک دیده است. در هنگامه فرو ریختن این زیرساخت‌ها (یک بار در عملیات ۷ اکتبر و یک بار نیز در عملیات ۲۶ فروردین) نشان داده شد هیچ ساکنی در سرزمین‌های اشغالی از امنیت برخوردار نیست. این وضعیت حالا موجب ایجاد رعب و وحشت در جامعه صهیونیستی شده است.

استحاله فکری جامعه اسرائیل

هر ۲ جامعه ایران و رژیم صهیونیستی تکیه بر بنیان‌های فکری‌ای دارند که از تاریخ، دین و اعتقادات‌شان ریشه می‌گیرد. ایران جزو قدیمی‌ترین کشورهای جهان است که فرهنگ غنی و چند هزارساله‌اش چنان با آموزه‌های دینی و مذهبی درهم آمیخته که نوعی از فرهنگ مقاومت و پایداری را در میان‌شان ایجاد کرده است.
در سمت مقابل اسرائیل یک جامعه کاملا نظامی و مصنوعی دارد؛ ۴ جنگ با اعراب، ۲ انتفاضه، چند بار لشکرکشی به لبنان، نبرد سال ۲۰۰۶ با حزب‌الله (جنگ ۳۳ روزه) و حداقل ۶ درگیری بزرگ با گروه‌های مقاومت در غزه را تجربه کرده است و تمام نسل‌های آن با واژه جنگ مانوس هستند اما گویا هیچ کدام از این مراحل، باعث نشده اعتماد شهروندان این رژیم به ماندگاری رژیمی جعلی که هنوز قدمتش به یک قرن نرسیده، عمیق و ریشه‌ای باشد. در واقع باید گفت روحیه مردم ایران ناشی از یک تاریخ، فرهنگ و تمدن است که نسل به نسل به آنها منتقل شده است. مردم این کشور شاهد روزهای تلخ و شیرین بوده‌اند و فتوحات و مقاومت را در لحظه‌لحظه تاریخ به یاد دارند. این وضعیت یک کشور طبیعی است که مردم آن می‌توانند درباره آن ساعت‌ها به بحث بنشینند اما رژیم صهیونیستی یک کشور (بنا به ادعای خودشان) مصنوعی است که طبیعتا مردم ایران نمی‌توانند آن را بپذیرند.
از سوی دیگر، صهیونیست‌ها به اذعان خودشان در میان تمام جنگ‌هایشان هرگز با قدرتی چون ایران روبه‌رو نبوده‌اند. گذشته از ضربه روحی عملیات توفان الاقصی به جامعه اسرائیل که آن هم توسط یکی از گروه‌های محور مقاومت (حماس) انجام گرفت، وضعیت روانی کنونی اسرائیلی‌ها در مواجهه با کشورمان می‌تواند ناشی از این امر باشد که ایران در طول سال‌های اخیر با صبر استراتژیک و نزدیکی گام به گام به مرزهای رژیم صهیونیستی و محاصره مرزهای آن، باعث شده جامعه اسرائیل به مرور زمان نسبت به قدرت ایران دچار استحاله فکری شده و اصطلاحا خود را ببازد.
به نظر می‌رسد بخش اعظم شرایط روانی‌ای که جامعه اسرائیل این روزها آن را به دوش می‌کشد به خاطر همین «روند تدریجی» باشد. «ایران که تا پیش از عملیات وعده صادق» با سیاست «صبر استراتژیک» پیشروی گام به گام داشت، ذره‌ذره مولفه‌های قدرت اسرائیل را در سال‌های اخیر از او گرفت و در نهایت صهیونیست‌ها را از لحاظ فکری به استحاله کشاند. در واقع جامعه اسرائیل سال‌ها با قدرتی روبه‌رو بود که بدون درگیری مستقیم، سخت‌ترین شکست‌ها را به آنها تحمیل کرده بود.
لذا آنها که خود شعار مرگ با هزار ضربه چاقو را طرح کرده بودند در سال‌های اخیر صدها و بلکه هزاران ضربه چاقو از محور مقاومت دریافت کردند و در نهایت وقتی نوبت به مواجهه با خود ایران رسید، پریشانی درونی‌شان را با هجوم بردن به پناهگاه‌ها به نمایش گذاشتند.
اکنون در جامعه اسرائیل این تصور موج می‌زند که سیاست‌های دولتمردان‌شان باعث تغییر رویکرد ایران از «صبر استراتژیک» به «مواجهه مستقیم» شده و حالا این جامعه خسته و درهم‌ریخته، توان مقابله با چنین دشمن قدرتمندی را در خود احساس نمی‌کند.
پس از عملیات «وعده صادق»، وقتی خبرنگاری به قسمت یهودی‌نشین بیت‌المقدس رفته بود تا نظر شهروندان آنجا را نسبت به این حمله جویا شود، قریب به اتفاقشان خواهان کاهش تنش‌ها بودند. یکی از صهیونیست‌ها گفته بود: «به نظر می‌رسد با دشمن بزرگتری روبه‌رو شده‌ایم، بهتر است دولت همین جا تنش‌ها را تمام کند».

اشاره

یک سیلی برای تنبیه

لبلس هایشان را عوض کرده‌اند و می‌گویند رژیم تمامیت پس حمله ایران نابود گر نبوده است! اما گویی عملیات «وعده صادق» این بار و فقط این بار یک تنبیه آن هم با اطلاع! بود. لطفا توجه فرمایید! فقط پیچاندن گوش، نه ساطور زدن بر گوشت!

به گزارش پیام آشنا به نقل از الف، لطفا توقف و تامل فرمایید. هر واژه‌ای بار معنی خاص خودش را دارد و واژه تنبیه یعنی بنشین سرجات تو در میدان مصاف چندساعته با ایران به تلی از خاکستر تبدیل می‌شوی.
نکته مهم این بود که رهبر حکیم فرمودند: تنبیه خواهد شد. نفرمودند انتقام بالانتقام سخت.
لطفا توجه فرمایید این عملیات با همه عظمت و رعبی که برای دشمن داشت و ترس و ظهوری که بر خوش‌نشینان صهیونیسم گذاشت برای ایران به مثابه تله انداختن برای روباه پوشالی و رویاهای هم پالکی‌اش بود.
فقط یک هشدار بود برای هوشیار کردن دشمن که اگر دست از پا خطا کند باید دست و پا را در آتش ببیند.
ما قصد کشتار و تلفات گرفتن از دشمن نداشتیم. این شیوه بزرگوارانه رهبر و ملت ایران است که از دیرباز هم بدان اهتمام داشته‌ایم. در برابر دشمنی که تا می‌توانست، می‌زد و خون می‌ریخت ما تا می‌توانستیم نمی‌زدیم و حتی اگر دشمن با تمام توش و توان و ناجوانمردی بدان عادت داشته باشد.
در این موضوع هم به همان شیوه و مرام التزام داشتیم، لذا قبل از شروع عملیات برخی کشورها را مطلع کردیم مطمئن بودیم که این هم به اطلاع صهیونیست‌ها می‌رسد تا مردم را حتی صهیونیست‌ها را به پناهگاه ببرند. ما به انجام عملیات بر اساس وعده‌ای که به ملت خود داده بودیم پایبند بودیم به این که این بار نه توسط نیروهای محور مقاومت، نه در کشور ثالث که مستقیم از خاک خود، پشتی از آن را از مرقد شهید زاهدی به عمق راهبردی دشمن شلیک کردیم و دشمن را در هم کوبیدیم.
پیشتر، سرداران جنگ روانی صهیونیست‌ها در شبکه‌های اجتماعی به تمسخر می‌نوشتند مرکز موساد در تل‌آویو است نه در اربیل. ما هم برای تحقیرشان، عمق خاکی را هدف گرفتیم که پایتختش تل‌آویو است. پایگاه هوایی نواتیم و نگوانقب را زدیم. تابگوییم با مردم و او صهیونیست‌های نژادپرست هم «فعلا» کار نداریم.
این اقدام را هم در قالب «دفاع مشروع» و بر اساس بند ۵۱ منشور سازمان ملل متحد به انجام رساندیم تا دنیا بداند که جمهوری اسلامی ایران، در اقدامات تنبیهی خود هم مقررات بین‌المللی و فراتر، انسانی را رعایت می‌کند. آن هم در برابر دشمن افسار گسیخته‌ای که به هیچ قاعده و قانون و اخلاقی پایبند نیست.
تفاوت ما با دشمنان هم در همین التزام بینشی، اخلاقی و انسانی است. در رعایت اخلاق در نهایت برخورد.
این عملیات بیش از آن که نظامی باشد، راهبردی بود. تبیین روشن خطوط قرمز جمهوری اسلامی، با این بیان صریح که هر کس از آن رد شود، زیر پایش را قرمز خواهد دید. قرمز از خونی که از سرا سر وجودش جاری خواهد بود. این پیغام را هم به همه طرف‌ها دادیم؛ زمان بزن در رو به تمام تمام شده است. بزنند چند برابر می‌خورند.
اصرار بر مقابله داشته باشند بیشتر می‌خورند. ما تعارف نداریم. به صریح‌ترین کلمات، دکترین نظامی‌مان را تعریف کرده‌ایم. فعلا هم این مرحله تنبیه را پایان یافته تلقی می‌کنیم اما اگر دشمن، خیالات کند موج طوفانی و خروشان بر خواهد خواست از دریای خشم مقدس ما، که جز به شستن آن دیار مغصوب و مظلوم از لوث وجود اشغال گران، آرام نخواهد شد. این هشدار را به شدت جدی بگیرند تا آن روز جلوتر نیفتد.
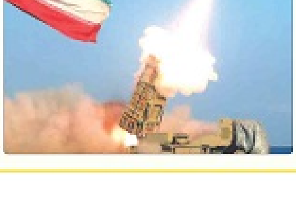
حمزه واقعی، پژوهشگر مطالعات میان‌رشته‌ای